ملك‌های سلیمان

پویش پذیرایی از عزاداران سردار شهید سلیمانی در تهران و قم موجی از همدلی را ایجاد کرده است

لیلا شوقی
محمدحسین خودکار
جامعه

همه چیز از صبح روز جمعه شروع شد، زمان ایستاد بعد از این که از خواب صبحگاهی بیدار شدند. دهان‌ها بسته شد، چشم‌ها با اشکی تار شدند و برای لحظه‌ای، حتی قلب‌ها از حرکت ایستاد. خبر شوکه‌کننده بود. سردار دل‌ها، سردار قاسم سلیمانی آسمانی شد. خیلی زود اما همه دست به کار شدند، برای عزیز از دست رفته، حجله عزا در کوچه و خیابان‌ها برپا کردند، دیوارهای شهر سیاهپوش شدند و نام و تصویر سردار، روی بیلبوردهای شهر، نقش بست تا شهر و ساکنانش به عزای سردار سلیمانی بنشینند، همدلی به همین‌ها ختم نمی‌شود.

پیکر مطهر سردار این روزها شهر به شهر روی دست ایرانیان بدرقه می‌شود. گرمای عشق او هر روز دل‌های بیشتری را به هم نزدیك می‌کند. این همدلی این روزها سبب شده بسیاری در شهرهای مختلف مانند تهران و قم برای میزبانی از عزاداران سردار شهید داوطلب شوند. فرقی هم ندارد در کدام شهر. همه میزبان کسانی هستند که از نقاط مختلف کشور، برای حضور در مراسم تشییع، به تهران یا قم سفر کرده‌اند. امروز درِ همه خانه‌ها باز است، همه مردم ایران عزادارند.

مهمان تازه‌داماد شوید

سجاد رمضانی- شغل آزاد- تهران

سجاد رمضانی می‌گوید: «مهم نیست که چه تفکرات مذهبی و سیاسی دارند. مردم بعد از شهادت سردار سلیمانی، همه همراه و همدل شده‌اند.» از نظر او، همین همدلی، باعث شده که سردار سلیمانی، لقب سردار دل‌ها را از آن خود کند.

رمضانی خاطره‌ای هم از روز انتشار خبر شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی تعریف می‌کند؛ این که صبح جمعه، بعد از شنیدن خبر شهادت، شوکه شد و بعد از این که تلویزیون خبر را تایید کرد، با ناراحتی از خانه بیرون آمد و با صحنه عجیبی روبه‌رو شد: «در محله‌ای که در آن زندگی می‌کنم، حتی کسانی که منتقد بودند، در همان زمان اندك که خبر انتشار پیدا کرد، حجله برپا کردند و به در و دیوار پارچه‌های سیاه زده بودند. بسیاری از مغازه‌داران تصویر سردار را به مغازه و ماشین‌های خود، نصب کرده‌اند.»

به نظر سجاد همه اینها اتحاد ملی را نشان می‌دهد. این که یك نفر با بودن و حتی بعد از شهادتش، می‌تواند مانند نخ تسبیح همه مردم را با هر گرایش و تفکری، با هم متحد کند و داستان اسکان عزاداران سردار شکل بگیرد. به گفته او، افرادی که در تهران زندگی نمی‌کنند اما دوست دارند در تشییع پیکر سردار شرکت کنند نباید غم اسکان داشته باشند.

رمضانی تازه یك ماه است ازدواج کرده و وقتی خبر اعلام آمادگی اسکان را در شبکه‌های مجازی دید، با خودش گفت چرا او این کار را انجام ندهد؟ به این ترتیب سجاد موضوع را با همسرش در میان گذاشت و او هم قبول کرد تا در انجام این کار خیر، همراه همسرش باشد. رمضانی می‌گوید: «قرار گذاشتیم در خانه ۹۰ متری‌مان، ۱۵ نفر را اسکان دهیم.» اما نکته مهم در این تصمیم این است که آنها به اندازه کافی، برای پذیرایی از مهمانان مجهز نیستند مثلا تشك و پتو به اندازه کافی ندارند، بنابراین دست به کار شدند و از اعضای خانواده و دوستانشان، تشك و پتو قرض گرفتند. سجاد توضیح می‌دهد در همان زمان اولیه اعلام این تصمیم، یك خانواده ۱۲ نفره از شمال با آنها تماس گرفته‌اند و قرار است به خانه آنها بیایند. اتفاقی که از نظر این زوج جوان، خیلی هم لذت‌بخش است. او معتقد است اسکان در خانه‌ها، کمترین کاری است که هر شخصی در حال حاضر می‌تواند انجام دهد. آن طور که او می‌گوید هر کسی به نوبه خود، در حال انجام کاری است تا مراسم تشییع پیکر سردار به بهترین شکل ممکن برگزار شود. او از راننده اتوبوسی می‌گوید که از خوانسار اعلام آمادگی کرده است تا کسانی را که دوست دارند، در تشییع پیکر سردار باشند، رایگان به تهران بیاورد. امثال او کم نیستند، کسانی که برای سردار، هیات عزاداری، ختم صلوات و موکب پذیرایی راه انداخته‌اند تا به سهم خود در مراسم تشییع سردار سلیمانی شریك شوند.

فدای سر بچه‌های سردار

محمدرسول کوشکی- شغل آزاد- تهران

«حتی یك لحظه هم فکر نمی‌کردم که این خبر را بشنوم. به روال هر روز وقتی از خواب بیدار شدم، گوشی همراهم را روشن کردم تا ببینم چه خبر است. مثل همه مردم ایران اولین خبری که دیدم، شهادت سردار سلیمانی بود. شوکه شدم و فکر کردم این خبر هم جزو شایعات فضای مجازی است. فورا تلویزیون را روشن کردم و متوجه شدم که خبر صحت دارد. دنیا پیش چشمانم سیاه شد، هنوز نمی‌توانم حس و حال آن لحظه‌ام را بیان کنم. حس شوك، بغض و نفرت از دشمن در من آمیخته بود.»

اینها را محمدرسول کوشکی می‌گوید، کسی که مانند بسیاری از دیگر اهالی تهران حاضر شده است منزلش را برای یك یا دو شب به میزبانی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع سردار سلیمانی اختصاص دهد. او میزبانی از مهمانان سردار سلیمانی را وظیفه خود می‌داند و می‌گوید به برخی دوستانش نیز توصیه کرده که در این کار مشارکت کنند. این افراد نیز درخواست کوشکی را اجابت کرده و حاضر شده‌اند هر کدام به سهم خود گام کوچکی در پرشورتر شدن مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی بردارند. کوشکی متاهل است و تعریف می‌کند وقتی برای انجام این کار با همسرش مشورت کرد، با ابراز رضایت و خوشحالی او مواجه شد. خدا را شکر می‌کند که خانه‌اش بزرگ است و توانسته تعداد زیادی از مهمانان سردار سلیمانی را به خانه‌اش دعوت کند. دیشب هم ۱۵ نفر از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع پیکر حاج قاسم مهمان او بوده‌اند، عده‌ای که بعضی‌هایشان حتی از راه‌های دوری مثل شیراز به این مراسم آمده بودند. فراهم کردن محل اسکان برای تشییع‌کنندگان سردار سلیمانی یك طرف قضیه است و مهیا کردن وعده‌های غذایی برای این افراد نیز طرف دیگر ماجرا. کوشکی تعریف می‌کند که او و همسرش هیچ مشکلی برای اسکان مهمانان خود نداشتند و صبحانه و ناهار و شام را نیز از بیرون سفارش دادند تا زحمت پخت و پز نداشته باشد.

او درباره هزینه‌ای که حاضر شد برای میزبانی از مهمانان سردار سلیمانی از جیب پرداخت کند نیز می‌گوید: «همه این هزینه‌ها فدای سر بچه‌های سردار. ایشان برای حفظ امنیت این کشور از جان خود مایه گذاشت و ما نیز وظیفه داریم هر کاری از دستمان برمی‌آید، انجام دهیم تا عشاق سردار بتوانند در مراسم تشییع پیکر او و همرزمانش شرکت کنند.»

مفتخرم به میزبانی از مهمانان سردار

محمود مؤمن‌پور- نجار- قم

محمود مؤمن‌پور یکی دیگر از افرادی است که تصمیم گرفته در طرح میزبانی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی شرکت کند. او برخلاف بیشتر افراد شرکت‌کننده در این پویش که تهرانی هستند، در قم زندگی می‌کند و معتقد است این شهر می‌تواند برای اهالی شهرهای نزدیك‌تر به قم مانند کاشان یا اصفهان محلی مناسب‌تر باشد تا به تشییع‌کنندگان سردار بپیوندند. در این شرایط قمی‌هایی مانند او باید پا پیش گذارند و مشکل اسکان اهالی این شهرها را برطرف کنند. همین مساله عزم مؤمن‌پور را در تصمیم برای میزبانی از مهمانان سردار سلیمانی راسخ‌تر کرده و امیدوار است قمی‌های بیشتری در این طرح مشارکت کنند تا افراد بیشتری بتوانند از شهرهای دور و نزدیك به قم بیایند و مراسم تشییع پیکر سردار هرچه باشکوه‌تر برگزار شود. مؤمن‌پور البته می‌داند که انجام این کار ممکن است برای برخی از افرادی که در کنار همسر و فرزندان خود زندگی می‌کنند، دشوار باشد، اما او تعریف می‌کند که خودش نیز متاهل است و همسرش بدون هیچ مشکلی حاضر شده در میزبانی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی با او مشارکت کند.

این نجار ساکن قم تاکید دارد یك شب میزبانی از مهمانان سردار سلیمانی این حرف‌ها را ندارد و شخصیت این شهید ارجمند آن قدر بزرگ است که مردم باید هر کاری می‌توانند برای پرشورتر شدن برگزاری مراسم تشییع پیکرش انجام دهند. خود او نیز به میزبانی از مهمانان سردار افتخار می‌کند و می‌گوید این کوچك ترین قدمی است که می‌تواند برای عرض ارادت به سردار سلیمانی بردارد.

مؤمن‌پور همچنین تعریف می‌کند افتخار داشته و یك بار در زمان حیات سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، ایشان را از نزدیك ملاقات کرده است. ملاقاتی که او آن را به این صورت شرح می‌دهد: «این دیدار خیلی اتفاقی رخ داد و من این شهید بزرگوار را در حال زیارت در حرم حضرت معصومه (س) دیدم. یادم می‌آید که به حاج قاسم گفتم، سردار برای شهادت ما دعا کن و ایشان هم به من پاسخ داد دعا می‌کنم، اما به شرطی که تو اول برای شهادت من دعا کنی.»

کرم نما و فرودآ که خانه خانه توست

مرتضی- پژوهشگر- قم

از همان ابتدا می‌گوید که نمی‌خواهد اسمش منتشر شود. انجام کار خیر و بی‌نام و نشان ماندن، برای او مهم‌تر است. این اولین باری نیست که مرتضی و خانواده چهار نفره‌اش آماده میزبانی می‌شوند. مرتضی که خادم حرم حضرت معصومه(س) است به همراه خانواده‌اش هر روز آماده پذیرایی از زائرانی هستند که به قم سفر می‌کنند. به قول خودش او و خانواده‌اش با افتخار از هموطنانشان دعوت می‌کنند تا برای مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی به قم و خانه آنها بیایند. داستان میزبانی برای تشییع پیکر سردار هم از زمانی شروع شد که شهرش، به عنوان یکی از مسیرهای تشییع پیکر انتخاب شد. همین زمان بود که یکی از دوستانش که در تهران زندگی می‌کند، به او گفت: «دوست دارم که برای تشییع پیکر سردار به قم بیایم، ولی برایم خیلی سخت است، چون نمی‌دانم شب باید در کجا بمانم؟» و جواب سوال هم در دستان مرتضی بود. ایده اعلام برای میزبانی، از همین جا شروع شد.

این خادم اهل‌بیت(ع) می‌گوید: «وظیفه خود می‌دانیم که در حد توان‌مان، برای حضور بیشتر مردم در تشییع پیکر قهرمان ملی کاری انجام دهیم.» نکته جالب‌تر درباره میزبانی مرتضی این است که او اولین بار است که به عنوان میزبان از طریق فضای مجازی مهمانش را پیدا می‌کند. همیشه روال به این شکل بوده است که او به حرم حضرت معصومه(س) می‌رفته و با خانواده‌ها گفت‌وگو می‌کرده است. شرط حضور مهمانان در خانه او هم جالب است، این که اگر خانواده‌ای وسیله نقلیه ندارد، مرتضی با وسیله نقلیه خود، شرایط رفت‌وآمد را مهیا کند. قرار او با همسرش هم جالب است: «قرار گذاشتیم که برای ناهار و شام، هرچه که داریم، اگر برنج و خورش است، اگر نان و پنیر است، همان را جلوی مهمانمان بگذاریم. برای میزبانی از کسانی که می‌خواهند در مراسم تشییع پیکر سردار، شرکت کنند هم همین شرایط را داریم.» با همین شرایط هم، مرتضی و همسرش، در صفحات مجازی خود، برای اسکان ده نفر اعلام آمادگی کرده‌اند. شاید در شرایط اقتصادی که وجود دارد، هر کسی بگوید که مهمانی دادن، سخت است، اما مرتضی و خانواده‌اش برکات مهمان داشتن را در خانه خود دیده‌اند و از نظر او، این برکت برای مهمانی که زائر اهل بیت(ع) هم خواهد بود، بیشتر است.

او می‌گوید: «اگر مشکلی در زندگی داشته باشیم، به لطف و کرم همین مهمانان، رفع شده است. من مطمئن هستم که برکات میزبانی از کسانی که در تشییع پیکر سردار حاضر می‌شوند، هم شامل حال خانواده‌ام خواهد شد.»

آب زنید راه را

مهدیه نژادابراهیم- خانه‌دار- تهران

مهدیه نژادابراهیم، اصالتا شمالی است. او درخواست برای پذیرایی از عزاداران سردار شهید را در صفحه اینستاگرامش اعلام کرده است. اعلام آمادگی برای میزبانی نیز از همین جا شروع شد، چراکه پس از اعلام مسیر تشییع پیکر سردار، همه اعضای خانواده و فامیل او از این که مسیر تشییع، به آنها نزدیك نیست، ناراحت شدند. هرچند دل‌های مشتاق آنها دوست داشت در مراسم شرکت کنند، فکر شب ماندن و خستگی راه اما دغدغه اولیه بود. همین شد که مهدیه، با همسرش مشورت کرد و با یکدیگر تصمیم گرفتند در خانه کوچکشان، حداقل پنج شش نفری را اسکان دهند. کاری که اتفاقا با شرایطی که نژاد ابراهیم دارد، کمی سخت است و بسیاری از دوستان هم خواستند او را از این تصمیم منصرف کنند.

این بانوی خانه دار که شاعر نیز هست، یك پسر دو ساله دارد و به جز آن هم هفت ماهه، باردار است، اما عشق به سردار و خدمت به کسانی که مشتاق حضور در مراسم هستند، او را به این فکر انداخته، که سختی ماه‌های پرخطر بارداری را به جان بخرد و به مهمان عزیز خدمت کند. او می‌گوید: «به کسانی که شوق دارند برای تشییع سردار در تهران حاضر شوند، فکر می‌کنم. دوست ندارم آنها به دلایلی مانند نبود اقامتگاه از تصمیم شان منصرف شوند.»

مهدیه توضیح می‌دهد تدارك دیده و منتظر مهمانانش بود، به خانه‌اش بیایند و او مشتاقانه از آنها پذیرایی کند. با شوق فراوانی هم، برایشان شام پخت و مقدمات پذیرایی را مهیا کرد. هرچند که می‌گوید، سفره رنگینی، پهن نکرد و مهم حضور و شرکت در مراسم است. او الگوی خود را مردم عراق و میزبانی در مراسم پیاده‌روی اربعین می‌داند و می‌گوید: «من در پیاده‌روی اربعین شرکت نکردم، اما به نظرم، میزبانی، کم از شرکت در مراسم ندارد.»

قدم‌تان روی چشم

علیرضا محمدی- دانشجو- تهران

وقتی از زمان برگزاری مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی در تهران با خبر شد، تصمیم گرفت منزل خود را برای میزبانی از کسانی که قصد شرکت در مراسم تشییع پیکر سردار را دارند، اما امکان اسکان در تهران برایشان فراهم نیست، اختصاص دهد. علیرضا محمدی تعریف می‌کند ابتدا می‌خواسته فقط از دوستان خود که ساکن شهرهای اطراف هستند برای اقامت در منزلش دعوت کند، اما زمانی که متوجه شده دوستانش توانسته‌اند جایی را برای خود دست و پا کنند، به این فکر افتاد از افراد دیگری که با او غریبه هستند، ولی ممکن است مشکلی مشابه دوستانش داشته باشند، برای یك شب اسکان در منزل خود دعوت کند.

علیرضا که خود دانشجوی روان‌شناسی است و با پدر و مادرش در تهران زندگی می‌کند، می‌گوید خانواده‌اش نه فقط مخالفتی با تصمیم او نداشته‌اند، بلکه برای باشکوه‌تر شدن مراسم سردار سلیمانی با خوشرویی نیز از این تصمیم استقبال کرده‌اند. شب گذشته نیز هفت نفر از تشییع‌کنندگان سردار مهمان منزل آنها بودند.

محمدی تاکید دارد که مهمانان سردار قدم روی چشم او و خانواده‌اش گذاشته‌اند و می‌گوید وقتی آنها به این مساله که ممکن است این کار خطراتی داشته باشد، فکر می‌کردند به این نتیجه رسیدند که این اقدام نیز به نوعی مشابه کار عراقی‌هایی است که در راهپیمایی اربعین، منازل خود را در اختیار زائران امام حسین (ع) قرار می‌دهند. او معتقد است وقتی عراقی‌ها بدون هیچ ترسی در ایام اربعین در خانه‌هایشان را روی مردم باز می‌گذارند، چه اشکالی دارد که ما ایرانی‌ها نیز برای برگزاری مراسم سردار بزرگی همچون حاج قاسم دل به دریا بزنیم. محمدی روز گذشته که در فضای مجازی مطلبی را منتشر و اعلام کرد می‌تواند میزبان تشییع‌کنندگان سردار سلیمانی باشد، افراد بسیاری برای اقامت در منزلش به او پیام دادند. افرادی که حتی بعضی‌هایشان از بندرعباس حرکت کرده بودند و بامداد امروز به منزلش رسیدند.

محمدی در میان اقوام و آشنایانش نیز افراد بسیاری را سراغ دارد که حاضر شده‌اند میزبان جمعی از شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی باشند. خانه‌هایی که از چند شب گذشته همگی علاوه بر این که محل اسکان مهمان سردار سلیمانی است، به محل عزای این شهید بزرگوار تبدیل شده و مراسم عزای سردار در آنها برپاست.

این دانشجوی روان‌شناسی معتقد است، سردار سلیمانی فقط یك ژنرال ایرانی نبود و برای بخش زیادی از مردم خاورمیانه عزیز بود. محمدی در فضای مجازی پست‌ها و استوری‌های بسیاری را از کاربران عراقی، سوری و لبنانی دیده است که در این کشورها نیز برای سردار سلیمانی مراسم عزاداری برگزار می‌کنند. در میان مردم ایران نیز بسیاری از افراد با این که با یکدیگر اختلاف نظرهای بسیاری در مسائل سیاسی و اعتقادی دارند، در ابراز ارادت به سردار سلیمانی مشترك هستند. آن‌قدر که حتی حاضرند منازل خود را برای میزبانی از مهمانان سردار اختصاص دهند.

کرامت کویر و کریمانه زیستن سلیمان زمان

مهدی توکلیان

بیابان و کویر و دریا و جنگل برای باریدن باران و وزیدن باد و تابش خورشید یکسان است، درست مانند روزهای کنار هم بودنمان در یك منطقه در یك جغرافیای زیبا به نام مقاومت، به حرمت خون جوان‌هایی که در محور مقاومت بدون منت مهرشان را مهریه آسایش و آرامش مردمان این کشورها قرارداده‌اند.

۱۳ روز از دی ماه باید می‌گذشت تا تاول کینه و نفرت دشمنان باز می‌شد و عقده حقارت‌ها و ضعف‌ها را بسان کفتارها از دل یك شب زمستان باز پس می‌گرفتند و در یك دل سحر تمام لحظه‌های عاشقانه، خالصانه و مجاهدانه شهیدان، جانبازان و رزمندگان در تمام روزهای سخت و فصل‌های سرد و گرم را در ذهن‌ها و دل‌ها زنده می‌کردند.

کریمانه زیستن و کرامت داشتن کویر و کوهستان که هیچ، دریا و صحرا هم برایش یکسان است. گویش و لهجه برایش فرقی نمی‌کند، در میان نخلستان‌های عراق باشد یا در در دل فرات فرقی نمی‌کند. روز و شب نمی‌شناسد و ایران و عراق و لبنان و سوریه و یمن را یك جغرافیا می‌داند. در فرهنگ سربازی او تنها یك چیز ارزشمند است؛ آن هم سرباز بدون چون و چرا.

ولایت‌پذیر است به‌دور از هر ادعا و مدعی. برای رفتن بهانه نمی‌خواهد و برای ماندن هم چاره نمی‌اندیشد. شهوت و شهرت سال‌هاست در وجودش دفن شده است. زنده می‌ماند تا زنده بودن را معنا کند. سلیمان زمان شدن با سردار شدن مهیا نمی‌شود، با سربازی سرسپرده در قامت سرداری نمایان می‌شود... سرداری که در برابر اشك فرزندان شهید، عاشقانه خدمت می‌کند و شورآفرین شادی لحظه‌های کودکانه‌شان می‌شود، در برابر ابهت مادرانه مادران شهید این سرزمین عاشقانه سر به احترام می‌گذارد و بر پایشان بوسه مهر و محبت می‌زند و در برابر فرمانده خود نمی‌داند چگونه سربازی کند... .

اگر امروز حاج قاسم‌ها شهادت را معنا نمی‌کردند شاید برای نسلی جدید این حرف‌ها شبیه یك افسانه بود شبیه یك قصه، اما... امروز هم می‌شود یادها و نام‌های بسیاری را دگر بار معنا کرد و دگراندیشان نواندیش بی‌منطق را تلنگری دگربار زد.

برای هم‌نسلی‌های من این واژه‌ها غریبه نیست...

از فضا نیامده‌ام
از آسمان هم نمی‌گویم
از همین تابلوهای بر سر در اتوبان‌ها و بلوارها و خیابان‌ها و کوچه‌های هر شهر و روستا و محله‌ها روایت می‌کنم.

از شهید همت و صیاد شیرازی سخن گفتن کار سختی است، از مردانی که سلیمانی‌های زمان خود بودند و کرامت و مهرشان چون بارش بهارانه بی دلیل بود و بی‌منت... .

از شهید زین الدین و کریمی و هزار اسم آشنا از شهیدان و شهیدهای نقش بسته بر سر در پلاك‌های آبی و تابلوهای سبز راهنمای شهری... از نام شهید سخن گفتن سخت نبوده و نیست اما روزگار منفعت‌طلب بودن و مصلحت‌اندیشانه زندگی کردن این گونه را می‌پسندد. برای هر کس که با صدای آژیر و گلوله و بمباران شهری غریبه است این حرف‌ها مضحکه است. معنای بمباران را مردمی می‌فهمند که در شهادت مردمان بی‌دفاع مظلومانه ماتم‌زده و گریسته‌اند.

اما برای گفتمان میان نسلی از صمیم قلب باید نگران بود، اگر نتوان با تمسك به ساحت هنر و رسانه حرف‌ها و خاطره‌ها را منتقل کرد، باید همتی مضاعف داشت و تلاشی جهادی تا با رسانه و هنر به جنگ رسانه‌ها رفت، با همین دستمایه‌های معنوی ارزشمند، با دنیایی از حرف‌های ناگفته و ناشنیده، باید گفت و شنید، باید با شهامت از شهادت گفت از رشادت و شجاعت‌های شیران سرزمین آریایی تا کفتارها و شغال‌ها نتوانند نزدیك‌شان بیایند چه رسد به آن که با خبر شهادت شیران پایکوبی کنند و بدمستی‌هایشان را به گوش دگران هم برسانند.

تلاش روایتگران آن روزها، همت و تلاش مدیران فهیم و دغدغه‌مند فرهنگ و هنر و رسانه میهن را می‌طلبد تا وارثان خوبی برای انتقال دنیایی از خاطرات به‌جا مانده باشیم تا نسل‌های ایرانی بدانند ایران مظلوم اما قوی چگونه حتی یك وجب از خاکش را به غریبه‌ها نداده است و هرگز ایرانی اجازه نمی‌دهد پای هیچ دشمنی به این خاك و آب برسد، همچنان که جبهه مقاومت حاضر نیست یك وجب از جغرافیای جهانی‌اش را به جهانخواران بسپارد.

یك بار هم نمایشگاهی بزرگ با بهره جستن از بهترین، قوی‌ترین، به‌روزترین تکنیك‌ها و ابزار روایتگر هشت سال مجاهدت‌های عاشقانه باشیم در روزگاری که ... ترین‌ها باعث افتخار است، یك بار ... ترین‌ها را برای شهید و شهادت رزمنده و مدافع حرم و حریم وطن به کار بندیم، یك بار هم برای تبلیغات آن روزها از بهترین‌ها و برترین‌های امروز رسانه بهره‌مند.